

Journal of
Comparative Law Review
(JCL)

DOI: 10.22059/JCL.2022.341588.634343

**Comparative Study of the Recognition and Enforcement
of Foreign Court Judgments in The Hague Convention
Judgments 2019 and Iranian Law**

Mohammadhossein Taghipour Darzi Naghibi¹  | Ali Soleimani Andarvar² 

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran. Email: mh.taghipour@umz.ac.ir

2. Ph.D. Student in Private Law, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.
Email: Ali.s.andarvar@gmail.com

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
2022/04/13
Accepted:
2022/08/16

Keywords:
*Recognition,
Enforcement,
Judgments, The
Hague Convention.*

How To Cite

Publisher

Abstract

One of the topics of private international law, which is constantly increasing in importance due to the development of political and economic relations between countries at the international level, is the need to identify and enforce judgments issued by foreign courts. The Hague Conference on Private International Law has adopted The Hague Convention 2019 to standardize the rules governing the recognition and enforcement of foreign judgments. In Iranian law, the conditions for recognition and enforcement of foreign judgments are stated in the Civil Judgments Execution Law. However, harmonizing the rules on the issue with international standards can promote effective access to justice, trade facilitation, and cross-border investment. Therefore, the present study aims to investigate the possibility, necessity, and effects of the adoption of the 2019 Hague Convention Judgments in Iranian law, considering the similarities and differences between the two in terms of territory, conditions, and obstacles to identifying and enforcing foreign Judgments. By combining the two, take a step towards the legal development of the country. Studies have shown that the flexibility of the rules and regulations of the Convention has facilitated Iran's accession to the Convention, and the political and economic effects of accession to the Convention have necessitated its ratification in Iran. There are many similarities between the two in terms of conditions and aspects of refusing to recognize and enforce foreign judgments.

Taghipour Darzi Naghibi, Mohammadhossein; Soleimani Andarvar, Ali (2022). Comparative Study of the Recognition and Enforcement of Foreign Court Judgments in The Hague Convention Judgments 2019 and Iranian Law. *Comparative Law Review*, 13 (2), 493-514.

University of Tehran Press.



دوفصلنامه

مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۴۹۳-۵۱۴

DOI: 10.22059/JCL.2022.341588.634343

مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای احکام محاکم خارجی در کنوانسیون

۲۰۱۹ احکام لاهه و حقوق ایران

محمدحسین تقی‌پور درزی نقیبی^۱ | علی سلیمانی اندرور^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

رایانامه: mh.taghypour@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: Ali.s.andarvar@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	یکی از مباحث حقوق بین‌الملل خصوصی که پیوسته بر اهمیت آن به سبب توسعه روابط سیاسی و اقتصادی کشورها در سطح بین‌الملل افزوده می‌شود، ضرورت شناسایی و اجرای احکام صادره از محاکم خارجی است. کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی به منظور یکسان‌سازی مقررات حاکم بر شناسایی و اجرای احکام خارجی، کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه را تصویب کرده است. در حقوق ایران نیز شرایط شناسایی و اجرای احکام خارجی در قانون اجرای احکام مدنی بیان شده است. با وجود این، یکسان‌سازی مقررات در موضوع مطروحه با استانداردهای بین‌المللی می‌تواند موجب ترویج دسترسی مؤثر به عدالت، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی گردد. از این رو، هدف پژوهش حاضر آن است که امکان، ضرورت و آثار پذیرش کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه را در حقوق ایران با توجه به وجه تشابه و تفاوت آن دو از حیث قلمرو، شرایط و موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی مورد واکاوی قرار دهد تا با تطبیق این دو، در راه توسعه حقوقی کشور گامی بردارد. بررسی‌ها نشان داده که انعطاف قواعد و مقررات کنوانسیون، الحاق ایران به کنوانسیون را تسهیل نموده و آثار سیاسی و اقتصادی الحاق به کنوانسیون، تصویب آن را در ایران ضرورت بخشیده است. از حیث شرایط و جهات ردّ شناسایی و اجرای احکام خارجی نیز مشترکات بسیاری میان آن دو وجود دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵	
کلیدواژه‌ها: اجرا، احکام، شناسایی، کنوانسیون لاهه.	
استناد	تقی‌پور درزی نقیبی، محمدحسین؛ سلیمانی اندرور، علی (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی شناسایی و اجرای احکام محاکم خارجی در کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه و حقوق ایران. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۳ (۲)، ۴۹۳-۵۱۴.
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



مقدمه

در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی^۱، کشورها ممکن است مقررات خاص خود را وضع و اعمال نمایند و تلاشی برای هماهنگی با مقررات سایر کشورها انجام ندهند. ولی این امر برای آن کشور هزینه‌هایی خواهد داشت که از جمله آن، رفتار تلافی‌جویانه سایر کشورها، معاملات گران‌تر، محرومیت از سرمایه‌گذاری خارجی و انزوای اقتصادی است (شیروی، ۱۴۰۰: ۶۴). در نتیجه، نیازهای اقتصادی و تجاری سبب سوق بسیاری از کشورها به سمت یکسان‌سازی مقررات ملی با مقررات سایر کشورها، از جمله با پذیرش کنوانسیون‌های بین‌المللی شده است.

کنفرانس لاهه در مورد حقوق بین‌الملل خصوصی از یک سو، با توجه به رشد دعاوی بین‌المللی ناشی از افزایش معاملات و سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی و از سوی دیگر، نبود استانداردهای بین‌المللی در حوزه شناسایی و اجرای احکام خارجی که ممکن است شناسایی و اجرای احکام صادرشده از سوی دادگاه‌های یک کشور را در محاکم کشور دیگر با خطر عمده مواجه سازد، سبب شده است تا تلاش‌های متعددی را در تدوین کنوانسیون‌هایی در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی انجام دهد که مهم‌ترین آن کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری است که نقطه اوج یک تلاش تقریباً پنجاه‌ساله برای یکسان‌سازی قواعد حاکم بر آن است (Clover, 2020: 1).

در نظام حقوقی ایران، به موجب ماده ۹۷۲ قانون مدنی و ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱)، امکان شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری در ایران پذیرفته شده است. همچنین شرایط آن در فصل نهم قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ تحت عنوان «احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی» به طور صریح و دقیق بیان شده است. با وجود این، یکسان‌سازی قواعد اصلی در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی یا تجاری

۱. کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه به موجب بند ۳ ماده ۴، میان دو اصطلاح شناسایی و اجرا قائل به تفکیک شده است. لیکن در کنوانسیون در مواد متعددی (از جمله ۱، ۲، ۵، ۶، ۷) از عبارت «شناسایی و اجرا» و در برخی مواد (از جمله، ۳، ۴، ۷) از عبارت «شناسایی یا اجرا» استفاده شده است. با وجود این، مفهوم «شناسایی» احکام خارجی متمایز از «اجرای» آن است. شناسایی احکام خارجی به معنای معتبر دانستن حکم دادگاه خارجی در کشور درخواست‌شونده است و مراد از اجرا آن است که حکم دادگاه خارجی در کشور درخواست‌شونده همانند حکم داخلی تلقی و اجرا گردد. البته اجرای احکام خارجی مستلزم شناسایی آن در کشور درخواست‌شونده است. درحالی که شناسایی هر حکم خارجی به معنای آن نیست که باید به مورد اجرا گذاشته شود، مانند احکام خارجی مربوط به اعلام وضعیت و اهلیت اشخاص (الماسی، ۱۳۶۹: ۸۱-۸۰). لذا خواهان گاه درخواست «شناسایی» حکم خارجی و گاه درخواست «شناسایی و اجرای» آن را دارد (شریعت باقری، ۱۳۹۶: ۱۷۹). به این دلیل، جز در مواردی که نص کنوانسیون از عبارت «شناسایی یا اجرا» استفاده نموده است، در پژوهش حاضر نیز از عبارت «شناسایی و اجرا» استفاده خواهد شد که احکام آن اصولاً قابل تعمیم به صرف درخواست «شناسایی» است.

با استانداردهای بین‌المللی موجب ترویج دسترسی مؤثر به عدالت و کاهش هزینه‌های معاملات و دادخواهی در امور مدنی و تجاری فرامرزی خواهد شد. از این رو، هدف نگارندگان پژوهش حاضر آن است که امکان، ضرورت و آثار پذیرش کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه را در حقوق ایران با توجه به وجه تشابه و تفاوت آن دو از حیث قلمرو، شرایط و موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی مورد بررسی قرار دهند. بنابراین، برای نیل به مقاصد یادشده، سیر تاریخی، هدف کنوانسیون و قلمرو آن، شرایط و موانع شناسایی و اجرای احکام محاکم خارجی در کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه و حقوق ایران به‌طور تطبیقی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱. سیر تاریخی و تبیین هدف کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه و قلمرو آن

در این قسمت، ابتدا سیر تاریخی و تبیین هدف کنفرانس لاهه از کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام و سپس قلمرو شناسایی و اجرای احکام خارجی در کنوانسیون و حقوق ایران مطالعه می‌شود.

۱.۱. سیر تاریخی و تبیین هدف کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه

در طی سال‌ها، با توجه به جایگاه شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی و تجاری در اجرای عدالت و ارائه اطمینان بیشتر در تجارت فرامرزی، تلاش‌های متعددی برای ایجاد یک استاندارد بین‌المللی صورت پذیرفت که مهم‌ترین آن کنوانسیون ۱۹۷۱ احکام لاهه است که در نهایت به دلیل عدم حمایت گسترده و تأیید آن، تنها از سوی پنج کشور آلبانی، قبرس، کویت، هلند و پرتغال، تلاشی ناموفق بوده است.

برای رسیدگی به موضوع مطروحه تلاش مجددی در سال ۱۹۹۲ با درخواست ایالات متحده آمریکا آغاز شد (Pertegas, 2020: 2) و در اکتبر ۱۹۹۶ در دستور کار کنفرانس لاهه قرار گرفت و به یک متن پیش‌نویس اولیه کنوانسیون در اکتبر ۱۹۹۹ انجامید. لیکن این تلاش برای مدت ۱۰ سال بدون هیچ اجماعی ادامه یافت. در اوایل سال ۲۰۰۰، کنفرانس به یک کارگروه دستور می‌دهد که پیش‌نویس کنوانسیون محدودتری را تنظیم نماید که تنها شامل آن دسته از مقررات صلاحیتی شود که در مورد آنها اجماع وجود دارد (Brand, 2019: 8). پس از آن، کنفرانس لاهه تلاش خود را بر اعتبار دادن به توافقات قراردادی برای حل و فصل اختلافات در محاکم یک کشور مشخص، متمرکز نمود. سرانجام این سازمان موفق به تهیه کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه در خصوص «موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه» شد (Rossouw, 2013: 127) که در حال حاضر از سوی ۳۱ کشور و اتحادیه اروپا تصویب، الحاق یا تأیید شده است (Stewart, 2019: 773).

1. See Hague Conference on Private International Law, Status Table of Contacting Parties for the Convention of 30 June 2005 on Choice of Court Agreements, at <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/status-table/?cid=98>.

کنفرانس لاهه در سال ۲۰۱۲ با دستور مجدد از شورای امور و سیاست عمومی خود به موضوع اجرای احکام برگشت و پس از سال‌ها مذاکره طولانی و اغلب دشوار (Stewart, 2019: 774)، در نهایت در بیست و دومین نشست دیپلماتیک خود در ۲ ژوئیه ۲۰۱۹، کنوانسیون جدیدی را در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی یا تجاری تصویب نمود (Weller, 2020: 1). این کنوانسیون نقطه اوج یک تلاش تقریباً پنجاه‌ساله برای هماهنگ کردن حوزه بسیار پیچیده تعارض قوانین، یعنی شناسایی و اجرای احکام خارجی است (Clover, 2020: 1). انعقاد این کنوانسیون بدون شک یک تحول بزرگ و نقطه عطفی مهم در حوزه حل و فصل اختلافات بین‌المللی در امور مدنی و تجاری است (Pertegas, 2020: 1-4).

هدف این کنوانسیون، با توجه به مقدمه آن، «تمایل به ترویج دسترسی مؤثر به عدالت برای همه، تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری چندجانبه مبتنی بر قانون و پویایی از طریق همکاری قضایی است، با اعتقاد به اینکه چنین همکاری‌هایی را می‌توان از طریق ایجاد یک مجموعه یکنواخت از قواعد اصلی در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی یا تجاری افزایش داد». همچنین، هدف کنوانسیون، رفع خألهای موجود در احکام قضایی خارجی با ایجاد رژیم واحد برای «تکمیل کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه در مورد توافق‌نامه‌های انتخاب دادگاه» است. لذا این دو کنوانسیون مکمل یکدیگرند؛ چراکه کنوانسیون ۲۰۰۵ به‌جز در شرایط خاص، تنها احکام صادرشده در توافق‌نامه انتخاب دادگاه را شامل می‌شود (Clover, 2020: 1).

موفقیت نهایی این کنوانسیون در راستای ایجاد حداقل استانداردهای بین‌المللی برای گردش جهانی احکام به سرعت نسبی تصویب آن از سوی تعداد قابل‌توجهی از کشورهای متعاهد بستگی دارد (Pertegas, 2020: 6). البته به‌نظر می‌رسد متن کنوانسیون از سوی همه کشورهای که در مذاکرات آن شرکت کردند (به‌علاوه اتحادیه اروپا)، به تصویب برسد. افزون بر این، به تصریح ماده ۲۴ کنوانسیون، پیوستن به آن به اعضای کنفرانس لاهه محدود نمی‌شود^۱. در نتیجه، احتمالاً این کنوانسیون نسبت به کنوانسیون ۱۹۷۱ لاهه در جامعه بین‌الملل مقبولیت گسترده‌تری باید. هرچند پیش‌بینی اینکه کنوانسیون یادشده همانند کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک تأثیر قابل‌توجهی خواهد داشت، نیازمند سپری شدن زمان بیشتری است (Stewart, 2019: 782).

۲.۱. قلمرو شناسایی و اجرای احکام خارجی و استثنای آن

در این قسمت، قلمرو کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه و سپس استثنای آن، در مطالعه تطبیقی با حقوق ایران مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱. در طی سه سال اخیر از زمان تصویب کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه، تنها کشورهای اروگوئه، اوکراین، کاستاریکا، فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا، پس از امضا، در حال انجام سایر تشریفات (تأیید، پذیرش، تصویب و...) (ماده ۲۴ ک) برای پیوستن به این کنوانسیون هستند.

۱.۲.۱. قلمرو شناسایی و اجرای احکام خارجی

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه در مقام بیان قلمرو در ماده ۱ اشعار می‌دارد: «این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی یا تجاری اعمال می‌گردد...» (بند اول). همچنین «این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای حکم صادر شده از سوی دادگاه یک کشور متعاقد (کشور مبدأ) در یک کشور متعاقد دیگر (کشور درخواست‌شونده) اعمال خواهد شد» (بند دوم). این ماده دارای اثر مشابه کنوانسیون نیویورک است و به‌عنوان «شناسایی و اجرای متقابل احکام» توصیف شده است (Clover, 2020: 4; Garcimartín, 2020: 26). در حقوق ایران نیز به‌موجب ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی، «احکام مدنی صادر از دادگاه‌های خارجی ... در ایران قابل اجرا است...»؛ از این رو، در این قسمت به تبیین اصطلاح «حکم» و «امور مدنی یا تجاری» در کنوانسیون و حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۱.۱.۲.۱. حکم

در کنوانسیون، حکم به‌موجب شق «ب» از بند نخست ماده ۳ «به معنای هر تصمیمی است که دادگاه در مورد ماهیت صادر می‌کند، هرآنچه که ممکن است تصمیم نامیده شود، از جمله حکم یا دستور و تعیین خسارت یا هزینه‌های دادرسی از سوی دادگاه (از جمله مأمور دادگاه)، مشروط بر اینکه تعیین مربوط به تصمیم در مورد ماهیتی باشد که ممکن است طبق این کنوانسیون شناسایی یا اجرا شود. اقدام موقت حمایتی، حکم نیست».

بنابراین حکمی که مطابق کنوانسیون قابل شناسایی و اجراست، هر تصمیمی است که دادگاه در مورد ماهیت صادر می‌نماید (Douglas & other, 2019: 427). لذا اصطلاح حکم در کنوانسیون در معنای عام خود به‌کار رفته است (Stewart, 2019: 775). با وجود این، کنوانسیون اقدامات موقت (همانند دستور موقت) را از تعریف حکم استثنا کرده است. این امر سبب مشکلات بسیاری در رویه تجاری بین‌المللی خواهد شد، چراکه ماهیت اقدامات موقت مستلزم تصمیم‌گیری و اجرای سریع است (Efeciner, 2020: 782).

علاوه بر این، کنوانسیون در خصوص توافق‌نامه‌های حل و فصل اختلافات، مقرر می‌دارد: «مصالحة قضایی که دادگاه یک کشور متعاقد تأیید کرده یا در جریان رسیدگی در دادگاه یک کشور متعاقد منعقد شده است به همان ترتیبی که همانند یک حکم در کشور مبدأ قابل اجرا است، باید تحت این کنوانسیون (در کشور متعاقد دیگر) اجرا شود» (ماده ۱۱ ک). بنابراین، مطابق کنوانسیون، تنها در دو فرض یادشده، توافق‌نامه حل و فصل اختلافات در یک کشور، «حکم» دادگاه محسوب می‌شود و در کشور متعاقد دیگر قابل شناسایی است.

در حقوق ایران، ماده ۲۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در بیان مفهوم حکم اشعار می‌دارد:

«چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور کلی یا جزئی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می‌شود». بنابراین، حکم در معنای خاص از سایر تصمیمات دادگاه، از جمله قرار، دستورات اداری و گزارش اصلاحی مجزا است. بنابراین با توجه به ظاهر ماده یادشده و ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، تنها حکم به مفهوم خاص در ایران قابل شناسایی و اجرا است. در نتیجه، اقدامات موقت نیز قابلیت شناسایی و اجرا از سوی دادگاه داخلی را ندارند. با وجود این، برخی معتقدند که هرچند در عنوان قانون اجرای احکام مدنی و مفاد آن، بحث از احکام مطرح است، اما اجرای دیگر تصمیمات دادگاه در پاره‌ای موارد به قانون پیش‌گفته محول شده است. لذا باید واژه «حکم» را به مفهوم عام آن مد نظر داشت، به طوری که شامل قرار دادگاه نیز بشود (محمودی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۸۵).

افزون بر این، در حقوق ایران گزارش اصلاحی در صورتی که تثبیت قرارداد اصحاب دعوا باشد، رأی شمرده نمی‌شود. اما چنانچه دادگاه پس از احراز توافق اصحاب دعوا حکمی صادر نماید که با تکیه بر این توافق دارای اسباب موجهه و منطوق باشد، آن را باید حکم به معنای واقعی دانست (شمس، ۱۳۹۴: ۲۷۰). لذا تنها در فرض اخیر، سازش قضایی واقع در محکمه خارجی قابل شناسایی و اجرا در دادگاه داخلی است.

۲.۱.۲.۱. امور مدنی یا تجاری

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه تحت عنوان «کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام خارجی در امور مدنی یا تجاری» تصویب شده است. همچنین در بند ۱ ماده ۱ ک. مقرر شده است که «این کنوانسیون در مورد شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی یا تجاری اعمال می‌شود. این کنوانسیون به‌ویژه در امور مالیاتی، گمرکی، اداری گسترش نخواهد یافت». کنوانسیون هیچ تعریفی از اصطلاح مدنی و تجاری ارائه نمی‌کند، بلکه صرفاً موضوعات مالیاتی، گمرکی و اداری را از آن استثنا می‌نماید و هدف از آن تمییز امور حقوق عمومی (از جمله جزایی) از موضوعات «مدنی یا تجاری» است که در آن یکی از طرفین در حال اعمال اختیارات دولتی یا حاکمیتی است (Beaumont, 2020: 127). بنابراین، کاربرد کنوانسیون بدون توجه به شخصیت طرفین آن، اعم از آنکه دولت باشد یا خیر (بند ۴ ماده ۲ ک)، تنها در امور مدنی یا تجاری است (Stewart, 2019: 775; Douglas & other, 2019: 426) و در امور اداری و کیفری، قابل اعمال نیست (Efeciner, 2020: 778); چراکه اساساً دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به امور حاکمیتی کشور دیگر صلاحیت ندارند. البته هرچند احکام کیفری مشمول کنوانسیون نیست، لیکن مطابق کنوانسیون، چنانچه یک حکم قابل تفکیک و تنها بخشی از آن قابل شناسایی یا اجرا باشد، آن بخش بر اساس کنوانسیون می‌تواند شناسایی یا اجرا گردد (ماده ۹ ک); بنابراین می‌توان بیان داشت اگر حکم صادره از دادگاه کشور متعهد جنبه کیفری و غیر کیفری داشته باشد

و این دو جنبه قابل تفکیک باشد، جنبه غیرکیفری (مثلاً جبران خسارت) قابل شناسایی و اجرا در کشور متعاقد دیگر است.

در حقوق ایران بر اساس ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، صرفاً «احکام مدنی» صادره از محاکم خارجی را واجد شرایط شناسایی و اجرا در ایران دانسته است. لیکن این امر مانع از شناسایی احکام تجاری با توجه به ماهیت خصوصی آن امور نخواهد شد. اما شناسایی احکام کیفری در حقوق ایران پذیرفته نشده و تنها در برخی از موافقت‌نامه‌های دوجانبه با برخی از کشورها، از جمله قانون حقوق و معاضدت قضایی در امور مدنی و کیفری بین دولت ایران و اوکراین، احکام کیفری مربوط به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم را قابل اجرا در ایران دانسته است (بند ۱ ماده ۲۴). همچنین، امور اداری و مالیاتی نیز اصولاً واجد تأثیر برون مرزی نیستند، زیرا این احکام، مظهر اعمال حاکمیت ملی یک حکومت بر سرزمین خود است (جلالی و نوریان، ۱۳۹۹: ۷۸۰).

۱.۲.۲. استثنای شناسایی و اجرای احکام خارجی

همان‌طور که گذشت، این کنوانسیون در خصوص شناسایی و اجرای احکام مدنی یا تجاری اعمال می‌شود. با وجود این، کنوانسیون لیست مفصلی را در بند ۱ ماده ۲ بیان می‌دارد که به موجب آن، برخی از امور مربوط به احکام مدنی و تجاری از شمول این کنوانسیون استثناء شده‌اند (استثنای قانونی) (Douglas & other, 2019: 426)؛ از جمله، وضعیت و اهلیت قانونی اشخاص حقیقی، موضوعات حقوق خانواده، وصیت و جانشینی، ورشکستگی، حمل و نقل مسافر و کالا، آلودگی دریایی فرامرزی، مسئولیت ناشی از خسارت هسته‌ای، افتراء، حریم خصوصی، مالکیت معنوی، و موضوعات ضدرقابت است. البته اگر این موضوعات صرفاً به‌عنوان یک موضوع مقدماتی و نه به‌عنوان موضوع رسیدگی در دادرسی که در آن حکم صادر شده است مطرح شده باشد، حکم را از شمول این کنوانسیون مستثنی نمی‌کند (بند ۲ ماده ۲ ک). همچنین، کنوانسیون یادشده در مورد داوری و رسیدگی‌های مربوط به آن نیز اعمال نمی‌گردد (بند ۳ ماده ۲ ک).

افزون بر استثنای قانونی، کنوانسیون مکانیزمی را پیش‌بینی می‌کند که به موجب آن به کشورهای عضو این اجازه را می‌دهد تا از طریق یک اعلامیه به امین، اجرای کنوانسیون را تحت شرایطی نسبت به یک کشور متعاقد دیگر (اعلامیه نسبت به روابط معاهده‌ای) (بند ۲ ماده ۲۹ ک)، یا نسبت به موضوعات خاص که در آن منافع زیادی در عدم اعمال کنوانسیون دارد (بند ۱ ماده ۱۸ ک) یا احکامی که یک دولت مشخص طرف آن باشد (بند ۱ ماده ۱۹ ک) و یا چنانچه تمام عناصر دعوا (از جمله، اقامتگاه و روابط طرفین) مربوط به کشور شناسایی‌کننده باشند (ماده ۱۷)، استثناء نماید (استثنای قراردادی - اختیاری).

مکانیزم اعلامیه نسبت به روابط معاهده‌ای، در واقع به این نیاز واقعی می‌پردازد که شناسایی

احکام سایر کشورها می‌تواند به معنای پذیرش ضمنی مشروعیت آن کشور باشد، درحالی که کشورهای متعددی در دنیا وجود دارند که تمایلی به شناسایی مشروعیت یا موجودیت یک کشور دیگر ندارند. لذا نبود این مقررہ ممکن است موجب عدم تمایل این کشورها نسبت به تصویب کنوانسیون گردد (Alcoea, 2019: 26).

در واقع، کنوانسیون به‌وضوح این انعطاف‌پذیری را با ایجاد یک مکانیزم انصراف محدود برای ترغیب به تبعیت گسترده از سوی دولت‌هایی با نظام‌های حقوقی مختلف ارائه می‌کند (Stewart, 2019: 780-781). البته استفاده گسترده از آن می‌تواند تمام تلاش‌های کنوانسیون برای دستیابی به یکنواختی را تضعیف نماید.

افزون بر این، کنوانسیون بر اجرای معاهدات لازم‌الاجرا در مورد شناسایی یا اجرای احکام صادرشده از سوی محاکم دولت‌های متعاقد، خواه قبل یا بعد از این کنوانسیون منعقد شده باشد، تأثیری نخواهد داشت (بند ۲ و ۳ ماده ۲۳ ک) و کنوانسیون تا حد ممکن باید به نحوی تفسیر گردد که با آن‌ها سازگار باشد (بند ۱ ماده ۲۳).

وجود این استثناها در کنوانسیون می‌تواند موجب تسهیل پیوستن ایران به کنوانسیون گردد. البته در حقوق ایران معیاری که برای شناسایی و اجرای احکام خارجی به‌موجب بند نخست ماده ۱۶۹ ق.ا.م. به‌عنوان شرط شناخته شده، نظریه «رفتار متقابل»^۱ است. این شرط با معیارهای حقوقی قابل دفاع نیست؛ چراکه رفتار دولت خارجی را مبنای تبعیض نسبت به اشخاص خصوصی قرار می‌دهد که شخصیتی مستقل از دولت دارند (ایزانلو و جباری‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۰۳). شناسایی و اجرای احکام خارجی را باید اعتبار و شناسایی حقوق مکتسبه تلقی نمود و با رعایت شرایط لازم، حکم دادگاه خارجی را مورد شناسایی و اجرا قرار داد (الماسی، ۱۳۶۹: ۱۰۰).

۲. شرایط شناسایی و اجرای احکام خارجی

در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی، در کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه و نظام حقوقی ایران شرایط متعددی پیش‌بینی شده است که در ادامه به‌طور تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی، نظریات مختلفی در حقوق انگلیس و امریکا ارائه شده که عبارت است از: ۱- هر کشوری بدون آنکه برای آن کشور ایجاد تعهد نماید، بهتر است احکام دادگاه‌های خارجی را محترم شمرد و اجرا نماید؛ چنانچه انتظار دارد از امتیاز مشابه‌ای برای احکام دادگاه‌های خود برخوردار باشد. این عمل به «نظریه نزاکت یا رفتار متقابل» معروف است (Regan, 1981: 153). ۲- نظریه دیگر ارائه شده، «نظریه تعهد» است که به‌موجب آن پس از احراز صلاحیت دادگاه خارجی، حکم صادره برای خواننده تعهدی ایجاد می‌نماید که دادگاه اجراکننده بدون حق تجدیدنظر در آن مکلف به اجرای آن است. ۳- طبق «نظریه حقوق مکتسبه»، حکم خارجی برای محکوم‌له حقی را ایجاد می‌کند که حق ثابت و مکتسب است و این حق باید در کشور دیگر تحت شرایطی محترم و منشأ اثر باشد (الماسی، ۱۳۶۹: ۹۳-۹۲).

۱.۲. قطعی و لازم‌الاجرا بودن حکم

درخواست شناسایی و اجرای حکم خارجی در دادگاه‌های ایران در صورتی مورد پذیرش واقع می‌شود که آن حکم از نظر دادگاه صادرکننده قطعی و لازم‌الاجرا باشد (بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م). یک حکم زمانی قطعی تلقی می‌شود که موضوع مورد دعوا کاملاً فیصله یافته باشد (الماسی، ۱۳۶۹: ۹۶). این شرط ناظر به اعتبار امر مختومه و از قواعد نظم عمومی بوده (پورنوری، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۵)، ضمانت اجرای آن ردّ درخواست است.

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه نیز در مورد شرط یادشده در بند ۳ ماده ۴ اشعار می‌دارد: «حکم تنها در صورتی ... اجرا خواهد شد که در کشور مبدأ لازم‌الاجرا باشد». لذا مطابق کنوانسیون، ملاک پذیرش تقاضای اجرای حکم خارجی آن است که حکم از نظر دادگاه صادرکننده، قابل اجرا باشد. ضمانت اجرای عدم قابلیت اجرای حکم در بند ۴ ماده ۴ ک. به این شرح تصریح شده است: «شناسایی یا اجرا در صورتی که حکم یادشده در بند ۳، موضوع تجدیدنظر در دولت مبدأ باشد یا چنانچه محدودیت زمانی برای درخواست تجدیدنظر عادی منقضی نشده باشد، ممکن است به تعویق بیفتد یا رد شود. رد کردن، مانع از درخواست بعدی برای شناسایی یا اجرای حکم نمی‌شود». بنابراین دادگاه درخواست‌شده اختیار دارد یک دوره زمانی را به خواهان مهلت دهد تا حکم در کشور مبدأ قطعی گردد و یا درخواست را رد نماید. این رویکرد اختیاری ممکن است به نابرابری در اجرای کنوانسیون منجر شود (Efeciner, 2020: 781). هدف این بند، به نظر آن است که طلبکار را از کسب حقوق بیشتر از طریق اجرای حکم در خارج از کشور نسبت به آنچه که در صورت اجرای حکم در داخل کشور به دست می‌آورد، مانع گردد (Clover, 2020: 7-8). بنابراین تصویب کنوانسیون به رویکرد جدیدی در نظام حقوقی ایران منجر خواهد شد که به موجب آن اگر دادگاه کشف نماید که حکم در کشور مبدأ قطعی و لازم‌الاجرا نشده است، به جای ردّ آن، اختیار دارد موعدی را برای قطعی شدن آن اعطا نماید.

۲.۲. معتبر بودن حکم خارجی

در حقوق ایران، مطابق بند ۴ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، یکی از شرایط شناسایی و اجرای حکم خارجی آن است که «حکم در کشوری که صادر شده... به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد»؛ از این رو، حکمی را باید معتبر دانست که بر طبق قانونی که بر آن حکومت می‌کند به وجود آمده باشد و به هر علت قانونی (مانند مرور زمان) اعتبار خود را از دست نداده باشد (پورنوری، ۱۳۸۳: ۹۱-۹۰). کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه به این شرط صریحاً می‌پردازد و مقرر می‌دارد: «حکم تنها در صورتی شناسایی می‌شود که در کشور مبدأ معتبر باشد...» (بند ۳ ماده ۴ ک). بنابراین مطابق کنوانسیون، حکم باید بر اساس قانون دادگاه مبدأ دارای هرگونه اعتبار باشد (Weller, 2019).

(۸): لذا معتبر بودن حکم محکمه خارجی بر اساس قانون کشور صادرکننده حکم، به عنوان شرطی مشترک برای شناسایی و اجرای حکم خارجی در نظام حقوقی ایران و کنوانسیون است.

۳.۲. صدور دستور اجرا از طرف دادگاه خارجی

در حقوق ایران، حکم دادگاه خارجی که مبادرت به تقاضای شناسایی و اجرای آن شده است، باید «دستور اجرای آن از سوی مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد» (بند ۸ ماده ۱۶۹ ق.ا.م)؛ چراکه وجود چنین دستوری نشان می‌دهد که حکم، همه مراحل لازم برای اجرا شدن در کشور صادرکننده را طی کرده، لیکن محکوم‌له موفق به اجرای آن نشده است (شریعت باقری، ۱۳۹۶: ۱۹۱). افزون بر این، قانون‌گذار در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۷۳، محکوم‌له را مکلف نموده است که رونوشت دستور اجرای حکم و ترجمه گواهی‌شده آن را از سوی مقامات ذی‌صلاح به تقاضانامه اجرای حکم پیوست نماید. در این مورد برخی معتقدند همین که مقامات ذی‌صلاح خارجی دستور اجرای حکم را صادر نمایند، تا زمانی که خلاف آن به اثبات نرسیده است، باید بقای اعتبار آن را استصحاب نمود (حیاتی، ۱۳۹۰: ۳۴۱)؛ لذا صرف ارائه گواهی دادگاه صادرکننده حکم مبنی بر قطعیت از درخواست‌کننده کفایت می‌کند (مهاجری، ۱۳۹۱: ۳۰۴). در مقابل، برخی صرف ارائه رونوشت را کوتاهی در قانون دانسته‌اند و بیان می‌دارند این امر سبب نمی‌شود که قاضی رسیدگی‌کننده برای احراز درستی واقعیت‌های مربوط به حکم، از خواستن مدارک لازم درباره کلیه زمینه‌هایی که نیازمند اثبات هستند چشم‌پوشی کند (سلجوقی، ۱۳۹۹: ۵۴۹). لیکن، برخی معتقدند که ارائه صدور دستور اجرا از دادگاه صادرکننده ضرورت ندارد، بلکه ارائه حکم قطعی و لازم‌الاجرا از سوی متقاضی به محکمه اجراکننده کفایت می‌کند و مزیت آن تسهیل در شناسایی است (صمدی فروشانی، ۱۳۹۱: ۶۷). به نظر می‌رسد چنین دیدگاهی، چشم‌پوشی بر ضرورت‌های اعتبار احکام خارجی است و مخاطرات فراوانی دارد.

بنابراین، دستور اجرای حکم در واقع برگه‌ای است رسمی که تحت تشریفات خاص قانونی کشور صادرکننده حکم تهیه و متضمن دستور اجرای حکم آن دادگاه است. البته وجود این شرط صرفاً در خصوص احکام غیراعلامی است. این سند نشان می‌دهد که حکم دارای اعتبار است و متقاضی با طی کلیه مراحل قانونی، به سبب مثلاً عدم دارایی محکوم‌علیه در کشور صادرکننده، موفق به اجرای حکم نشده است؛ چراکه موضوع اجرای احکام خارجی زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که محکوم‌علیه در خارج از قلمرو کشور صادرکننده حکم اقامت دارد و از حکم صادره تبعیت نمی‌کند. البته به جهت مصالح ملی، صرف ارائه این سند مانع درخواست دادگاه اجراکننده حکم در ارائه مدارک لازم دیگر نخواهد بود.

در کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه شرط یادشده به صراحت نیامده است. با وجود این، شق

«ج» از بند ۱ ماده ۱۲ ک. در مورد یکی از اسنادی که از سوی درخواست‌کننده شناسایی یا اجرا برای اثبات صحت حکم باید به دادگاه مراجعه‌کننده ارائه گردد (Weller, 2019: 9)، چنین مقرر می‌دارد: «هرگونه اسناد لازم برای اثبات اینکه حکم دارای اعتبار است یا در صورت قابلیت اجرا، حکم در کشور مبدأ لازم‌الاجرا است». همچنین به موجب بند ۲ ماده ۱۲ ک: «اگر شرایط حکم به دادگاه مراجعه‌کننده اجازه ندهد تا بررسی کند که آیا شرایط این فصل محقق شده است یا خیر، آن دادگاه می‌تواند مدارک لازم را درخواست کند». بنابراین مطابق کنوانسیون، شخص درخواست‌کننده باید ثابت نماید که حکم مربوطه از نظر کشور مبدأ، معتبر و لازم‌الاجرا است که این امر می‌تواند از طریق ارائه صدور دستور اجرا و یا هر روش دیگری صورت پذیرد. با وجود این، صرف ارائه این مدارک مانع از درخواست دادگاه اجراکننده حکم در جهت ارائه مدارک لازم دیگر نخواهد بود.

۴.۲. صدور حکم از سوی دادگاه واجد صلاحیت

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه، به منظور کنترل صلاحیت دادگاه کشور مبدأ در شناسایی و اجرای احکام خارجی، یک فهرست تفصیلی (۱۳ بند) از قواعد صلاحیت غیرمستقیم را در بند ۱ ماده ۵ ارائه می‌دهد که الگوی اکثر نظام‌های حقوقی (به ویژه اتحادیه اروپا) است (Brand, 2019: 11-31). البته کنوانسیون دلایل عمومی صلاحیت را شرط شناسایی و اجرا دانسته است نه آنکه آنها را در صورت فقدان، دلیلی برای رد محسوب نماید. لذا متقاضی شناسایی ملزم است که اثبات کند که یکی از دلایل صلاحیت غیرمستقیم، موجود است (Weller, 2019: 8). از این رو، احکامی را می‌توان واجد شرایط شناسایی و اجرا تحت کنوانسیون به‌شمار آورد که یکی از معیارهای صلاحیت را دارا باشد (Efeciner, 2020: 788)؛ در غیر این صورت درخواست رد خواهد شد (De Araujo & De nardi, 2020: 71).

بند نخست ماده ۵ ک، تعهدات شناسایی و اجرای یک کشور متعهد را به احکامی محدود می‌نماید که در آنها ۱- ارتباط بین کشور مبدأ و خواننده وجود داشته باشد؛ مانند جایی که شخصی که علیه او شناسایی یا اجرا درخواست می‌شود، مقیم عادی دولت مبدأ باشد (شق «الف» از بند ۱ ماده ۵) و...؛ ۲- صلاحیت دادگاه کشور مبدأ بر مبنای توافق طرفین (صریح یا ضمنی) صورت گرفته باشد (شق «ه» از بند ۱ ماده ۵) و...؛ ۳- ارتباطی بین دعوا و کشور مبدأ وجود داشته باشد؛ مانند اینکه حکم در مورد تعهد قراردادی و از سوی دادگاه کشوری صادر شود که اجرای تعهد در آن انجام شده و یا باید انجام می‌گرفته است (شق «ز» از بند ۱ ماده ۵) و... . با وجود این، بند ۱ ماده ۵ قواعد نسبتاً پیچیده‌ای را وضع می‌نماید که ممکن است در دادگاه‌های کشورهای مختلف به تفاسیر متفاوتی از مبانی صلاحیت و در نتیجه عدم شناسایی منجر گردد (Brand, 2019: 31).

البته صرف عدم شناسایی و اجرای حکم به موجب کنوانسیون «با رعایت ماده ۶ این

کنوانسیون مانع از شناسایی یا اجرای احکام بر اساس قوانین ملی نمی‌شود» (ماده ۱۵ ک)؛ به این معنا که محکمه در صورت نبود شرط صلاحیت دادگاه مبدأ بر اساس کنوانسیون، همچنان می‌تواند به موجب قوانین ملی به شناسایی حکم خارجی اقدام نماید (Pertegas, 2020: 8) و به این جهت است که گفته می‌شود، کنوانسیون حداقل استاندارد را برای شناسایی و اجرای احکام خارجی در سطح جهانی ارائه می‌دهد (North, 2020: 47).

در نظام حقوقی ایران و مطابق ماده ۹۷۱ ق.م. صلاحیت دادگاه خارجی طبق قواعد آیین دادرسی کشور صادرکننده حکم احراز می‌گردد (سلجوقی، ۱۳۹۶: ۱۹۰). در این صورت، پذیرش کنوانسیون سبب خواهد شد تا دادگاه ایرانی برای شناسایی و اجرای احکام خارجی ابتدا بر اساس کنوانسیون به صلاحیت دادگاه مبدأ رسیدگی نماید و در صورت نبود شرایط، می‌تواند به قوانین داخلی متوسل گردد.

۳. موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی

در حقوق ایران، موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی در ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م. تنظیم شده است که در صورت وجود، دادگاه ایران درخواست شناسایی و اجرا را مردود اعلام می‌نماید. البته در این خصوص، دادگاه ایرانی حق رسیدگی ماهوی به حکم را ندارد، چراکه درحقیقت شخص متقاضی رسیدگی مجدد به دعوا را درخواست نمی‌کند، بلکه تنها می‌خواهد به امکان اجرای حکم در این کشور پی ببرد (شامبیاتی، ۱۳۴۸: ۷۲).

کنوانسیون ۲۰۱۹ لاهه جهاتی را در ماده ۷ به‌عنوان مبانی عمومی عدم شناسایی حکم خارجی فهرست می‌نماید که عمدتاً از کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه اخذ شده است (Brand, 2020: 16) و در بند ۱ ماده ۴ اشعار می‌دارد: «... شناسایی یا اجرا فقط به دلایلی که در این کنوانسیون تعیین شده است می‌تواند رد شود». لذا کنوانسیون تنها به دلایل تصریح شده در ماده ۷، اجازه رد را به کشور متعاقد می‌دهد (Weller, 2019: 7; Brand, 2019: 10). در کنوانسیون نیز اصل ممنوعیت تجدیدنظر صریحاً در بند ۲ ماده ۴ مقرر شده است که مطابق آن، «هیچ‌گونه تجدیدنظری در ماهیت حکم در کشور درخواست‌شونده وجود نخواهد داشت. صرفاً ممکن است چنین رسیدگی که برای اجرای این کنوانسیون ضروری است، وجود داشته باشد». استثنای یادشده نیز عمدتاً برای بررسی دلایل رد ممکن است ضروری باشد (Weller, 2019: 7).

با وجود این، در صورت تحقق دلایل سلبی ارائه‌شده در کنوانسیون و با توجه به صدر ماده ۷، شناسایی یا اجرا «می‌تواند» از جانب دادگاه رد (یا در برخی موارد تعلیق) شود. اما در حقوق ایران، در صورت وجود هریک از موانع، محکمه ایرانی باید شناسایی یا اجرا را رد نماید. البته برخی از جهات رد ارائه‌شده در کنوانسیون با آنچه در قانون اجرای احکام مدنی آمده است مطابقت دارد؛

درحالی که دلایل اضافی دیگری نیز در کنوانسیون آورده شده است. لذا در این قسمت، به هریک به‌طور جداگانه پرداخته می‌شود.

۳.۱. موانع مشترک بین کنوانسیون و حقوق ایران

برخی از موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی بین کنوانسیون و حقوق ایران مشترک است که عبارت‌اند از:

۳.۱.۱. صلاحیت انحصاری دادگاه کشور در خواست شونده

در برخی نظام‌های حقوقی برای رسیدگی به بعضی موضوعات صلاحیت انحصاری وجود دارد که در این مواقع، کشور شناسایی‌کننده حکم محکمه خارجی را اجرا نخواهد کرد. در حقوق ایران نیز صلاحیت اختصاصی دادگاه ایرانی در رسیدگی به موضوع دعوا، یکی از موانع شناسایی احکام خارجی است (بند ۶ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م). البته در قوانین به آنچه در صلاحیت انحصاری دادگاه ایران می‌باشد تصریح نشده است. با وجود این، به نظر برخی از حقوق‌دانان، آنچه را که قانون‌گذار در مواد ۱۲ به بعد آیین دادرسی مدنی آورده است، مانند دعاوی مربوط به اموال غیرمنقول (ماده ۱۲)، صلاحیت اصلی دادگاه ایران به‌عنوان اقامتگاه خوانده (ماده ۱۱) و...، در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران قرار می‌گیرد (شریعت باقری، ۱۳۹۶: ۱۸۸). لیکن با وجود گستردگی اسباب صلاحیت در قانون آیین دادرسی مدنی، نمی‌توان همه آن قواعد را از مصادیق بند ۶ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م دانست؛ چراکه تقریباً باب شناسایی رأی خارجی مسدود می‌شود. از سوی دیگر، محصور نمودن صلاحیت اختصاصی بر محل وقوع مال غیرمنقول نیز به اعمال صلاحیت گسترده از سوی دادگاه خارجی و عدم کنترل صلاحیت آن در مرحله شناسایی آرا منجر می‌شود. لذا با توجه به اصل غیرانحصاری بودن صلاحیت، لازم است قواعد مشخصی در این مورد پیش‌بینی شود (مقصودی، ۱۴۰۰: ۳۴۹). برخی از نویسندگان نیز بندهای سه‌گانه ماده ۹۶۱ ق.م. را که مقررکننده استثنای بهره‌مندی اتباع خارجی از حقوق مدنی است و یا در مواردی که به موجب الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی، دادگاه ایرانی صالح است، به‌عنوان مصادیق صلاحیت انحصاری برشمرده‌اند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). البته ماده ۹۶۱ ق.م. به تعیین دادگاه صالح ارتباطی ندارد و تنها به تعیین محدودیت حقوق خصوصی اتباع خارجه در کشور ایران می‌پردازد (مقصودی، ۱۳۹۳: ۵۹۹). بنابراین، نبود مصادیق احصاشده از موارد صلاحیت انحصاری دادگاه ایرانی را می‌توان یکی از خالاهای موجود دانست که نیازمند وضع مقررات جدید است.

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه تحت عنوان «صلاحیت انحصاری برای شناسایی و اجرا» در ماده ۶ مقرر می‌دارد: «علی‌رغم ماده ۵، حکمی که در مورد حقوق عینی در اموال غیرمنقول صادر

شده باشد، فقط در صورتی که مال در کشور مبدأ واقع شده باشد، شناسایی و اجرا خواهد شد». در واقع، ماده ۶ ک. تعداد محدودی از قواعد صلاحیت مستقیم را در کنوانسیون درج می‌نماید که به موجب آن در موارد خاص، تنها دادگاه یک کشور صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی را داراست (Brand, 2019: 12). در کنوانسیون تعریفی از اموال غیرمنقول ارائه نشده است که این امر می‌تواند به تفاسیر متفاوت کشورهای متعاقد از آن منجر گردد و در نتیجه، تمام تلاش‌های کنوانسیون را بر دستیابی به یک‌نواختی تضعیف نماید. لیکن در حقوق ایران برای شناخت مفهوم آن در بند ۷ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، باید به مواد ۱۲ تا ۱۸ قانون مدنی رجوع نمود که طبق آن کلیه اقسام اموال غیرمنقول (ذاتی، در اثر عمل انسان، حکمی و تبعی) را دربر می‌گیرد. افزون بر این، کنوانسیون در بند ۷ ماده ۲ به جهت حمایت از مصرف‌کنندگان و کارکنان در اختلافات ناشی از آن قراردادها، به دادگاه‌ها صلاحیت انحصاری اعطا می‌نماید (Efeciner, 2020: 787)، که مطابق آن در این موارد، اگر صلاحیت دادگاه مبدأ مبتنی بر انتخاب توافقی دادگاه یا رضایت طرفین و یا به دلیل تعهد قراردادی باشد، حکم در کشور درخواست‌شونده قابل شناسایی و اجرا نخواهد بود.

۳.۱.۲. نظم عمومی

در حقوق ایران، به موجب بند ۲ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، یکی از موانع شناسایی و اجرای حکم آن است که «مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه» باشد. مفهوم نظم عمومی در قوانین تصریح نشده و بسته به زمان و مکان در حال دگرگونی است. البته نظم عمومی دارای مفاهیم و مبانی یکسان است که درجه‌های گوناگون دارد؛ زیرا در تمام مواردی که به نظم عمومی استناد می‌شود، مقصود این است که چون اجرای قاعده‌ای با مصالح عالی دولت و منافع جامعه ملازمه دارد، بر اراده‌ها حکومت کند. منتها مصالحی که ممکن است قانونی را به صورت امری درآورد، با مصالحی که مانع از اجرای قانون خارجی می‌شود یکسان نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۶۲-۱۶۱). در واقع، درجه تأثیر نظم عمومی در جلوگیری از اجرای مفاد حکم دادگاه خارجی نسبت به مرحله تعارض قوانین، خفیف‌تر است؛ زیرا در مرحله شناسایی و اجرای احکام خارجی، مسئله حقوق ایجادشده مطرح است و هدف آن است که حکم قطعی و لازم‌الاجرای دادگاه خارجی که در واقع حامل حقی مکتسب است به اجرا گذارده شود (الماسی، ۱۳۶۹: ۹۲-۹۱). با وجود این، قلمرو تأثیر نظم عمومی در مرحله اجرای حکم خارجی گسترده‌تر است؛ چراکه حکم دادگاه خارجی به‌طور معمول حاصل اعمال دو گونه قواعد یعنی قواعد آیین دادرسی مدنی و قواعد ماهوی است. از این رو، اقتضای ترتیب اثر دادن به حکم خارجی در سرزمین ایران ایجاب می‌کند که افزون بر مفاد آن، درستی طرز رسیدگی و مراعات حق دفاع

خوانده نیز در آن به محک نظم عمومی زده شود (سلجوقی، ۱۳۹۹: ۵۴۷). بنابراین، به نظر می‌رسد اصطلاح نظم عمومی در شناسایی و اجرای احکام خارجی را نمی‌توان معادل مفهوم نظم عمومی در حقوق داخلی، یعنی شامل کلیه قواعد و مقررات آمره اعم از شکلی یا ماهوی دانست؛ چراکه با توجه به گستردگی این قواعد، از شناسایی و اجرای بسیاری از احکام خارجی جلوگیری می‌شود که در این حالت حقوق بین‌الملل خصوصی فلسفه وجودی خود را ازدست خواهد داد. از سوی دیگر با توجه به نسبی بودن مفهوم نظم عمومی، نمی‌توان مفهوم و دایره شمول ثابتی را برای آن بیان داشت. با وجود این، به نظر می‌رسد مفهوم نظم عمومی در شناسایی و اجرای احکام خارجی، آن دسته از قواعد و مقررات آمره اعم از ماهوی و شکلی است که آن‌چنان به قوام و بقای حیثیت و منافع یک دولت، جامعه و نظام حقوقی یک کشور وابسته است که امکان تخطی از آن وجود ندارد. در خصوص قواعد شکلی می‌توان به اصل دادرسی صحیح، از جمله اصل بی‌طرفی دادرسی و لزوم ابلاغ دادخواست به خوانده و ... اشاره کرد.

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه نیز نظم عمومی را به‌عنوان یکی از موانع، شناسایی کرده است (Efeciner, 2020: 784). از این رو، شق «ج» از بند ۱ ماده ۷ ک. اشعار می‌دارد: «شناسایی یا اجرا آشکارا با نظم عمومی دولت درخواست‌شونده ناسازگار باشد، از جمله موقعیت‌هایی که رسیدگی‌های خاص منتهی به حکمی شود که با اصول اساسی عدالت آیینی آن کشور (کشور درخواست‌شونده) ناسازگار باشد و موقعیت‌هایی که مربوط به نقض امنیت یا حاکمیت کشور درخواست‌شونده است». بنابراین، رد، تنها در فرضی است که حکم «آشکارا» نظم عمومی را نقض نماید (Clover, 2020: 18; Pertegas, 2020: 10). با وجود این، نظم عمومی ذاتاً یک معیار قابل انعطاف است که تعیین محتوای آن به هر کشور واگذار شده است (Jang, 2020: 111).

۳.۱.۳. ایراد امر مختومه

هنگامی که در مورد موضوعی در دادگاه یک کشور حکم قطعی صادر می‌شود، فرض بر این است تکلیف دعوا در نظام قضایی آن کشور روشن شده و اجرای رأی مخالف در آن نظام قضایی تناقض می‌آفریند (شریعت باقری، ۱۳۹۶: ۱۸۸) و از آن با عناوین «اعتبار امر مختومه» یا «اعتبار امر قضاوت‌شده» یاد می‌شود.

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه اعتبار امر مختوم را به‌عنوان یکی از جهات رد، در شق «ه» و «و» از بند ۱ ماده ۷ پیش‌بینی نموده است که مطابق آن در دو فرض، حکمی که شناسایی یا اجرای آن درخواست شده است، می‌تواند از سوی دادگاه کشور درخواست‌شونده رد گردد؛ فرض نخست زمانی است که حکمی پیش‌تر از سوی «دادگاه کشور درخواست‌شونده»، در خصوص همان موضوع و بین همان طرفین صادر شده باشد (شق «ه» از بند ۱ ماده ۷ ک). فرض دوم زمانی است

که حکم درخواست‌شده با حکم دیگری که بین همان طرفین و با موضوع یکسان و از جانب «یک کشور متعاقد دیگر» صادر شده است مغایرت داشته باشد، که به شرط آنکه حکم قبلی شرایط لازم را برای شناسایی در کشور درخواست‌شونده دارا باشد، می‌تواند رد شود (شق «و» از بند ۱ ماده ۷ ک). البته در کنوانسیون از کاربرد اصطلاح «ایراد امر مختومه» به آن سبب که این اصطلاح در نظام‌های حقوقی به روش‌های مختلف اعمال شده، اجتناب گردیده است (Clover, 2020: 19).

در حقوق ایران به موجب بند ۵ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، یکی از موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی، اعتبار امر مختوم است؛ به این معنا که «از دادگاه‌های ایران حکمی مخالف حکم دادگاه خارجی صادر نشده باشد». بنابراین، صرف صدور حکم مغایر حکم خارجی قبل از صدور حکم خارجی ولو اینکه اجرائیه در مورد آن صادر نشده باشد، مانع اجرای حکم خارجی خواهد بود (پورنوری، ۱۳۸۳: ۹۰). ایراد امر مختومه از مسائل مربوط به نظم عمومی است. لذا مطابق بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، طرفین نمی‌توانند دعوایی را که سابقاً رسیدگی و حکم قطعی صادر شده است حتی با توافق نیز مجدد طرح نمایند؛ چراکه طبق نظر برخی حقوق‌دانان، مبنای این قاعده، اماره قانونی مطابقت احکام با حقیقت نیست، بلکه قانون‌گذار حق اقدام قانونی را نسبت به حق اصلی که مورد نزاع است، فقط یک بار مجاز می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۶). لیکن قاعده نظم عمومی وقتی به اجرا درمی‌آید که حکم خارجی از حیث محتوا با قانون داخلی ناسازگار باشد؛ درحالی که ایراد امر مختومه وقتی اجرا می‌گردد که به یک دعوی تحت شرایطی در گذشته رسیدگی و حکم قطعی صادر شده باشد، نه آنکه محتوای حکم مخالف قانون داخلی باشد. در واقع، مطابق بند ۶ ماده ۸۴ ق.ا.د.م، تحقق این ایراد مستلزم شرایطی همچون وحدت سبب، موضوع و اصحاب دو دعوا است که به‌عنوان قاعده در شناسایی و اجرای احکام خارجی نیز اجرا می‌گردد. لذا بهتر آن است که قانون‌گذار در بند ۵ ماده ۱۶۹ ق.ا.ا.م، به جای نتیجه دو دعوا، مینا و شرایط ایراد امر مختومه را، خواه نتیجه دو حکم موافق یا مخالف باشد، ملاک پذیرش ایراد یادشده قرار دهد. با این همه، این مقررته تنها فرض نخست کنوانسیون را پیش‌بینی نموده و در خصوص فرض دوم حکمی بیان نداشته است، که به نظر می‌رسد در فرض اخیر، در صورتی که سایر شرایط شناسایی و اجرا موجود و موانع مفقود باشد، حکم درخواست‌شده در ایران قابل شناسایی یا اجرا است. لیکن در صورت پذیرش کنوانسیون، محکمه ایرانی می‌تواند در صورت وجود حکم مخالف از دادگاه‌های کشور متعهد دیگر که در ایران قابل شناسایی است، از شناسایی حکم درخواست‌شده اجتناب نماید.

۲.۳. موانع اختصاصی در کنوانسیون و وضعیت آن در حقوق ایران

در این قسمت، موانع خاص کنوانسیون در شناسایی و اجرای احکام خارجی و جایگاه هریک در حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۲.۱. نقض حقوق دفاعی خواننده

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه یکی از موانع شناسایی یا اجرای احکام خارجی را عدم رعایت شرایط شکلی مربوط به حقوق دفاعی شخصی که علیه او شناسایی یا اجرا درخواست شده، اعلام نموده است. از این رو، در شق «الف» از بند ۱ ماده ۷ ک، عدم ابلاغ صحیح «سند آغازکننده دادرسی یا سندی معادل آن که شامل بیان عناصر اساسی دعوی» است، در دو فرض موجب رد درخواست می‌داند: فرض اول زمانی است که سند مربوطه «به خواننده در زمان کافی و به روشی که او را برای سازمان‌دهی دفاع از خود توانا سازد، ابلاغ نشده باشد، مگر اینکه خواننده بدون اخطار اعتراضی در دادگاه مبدأ حاضر شود و پرونده خود را ارائه دهد؛ مشروط بر اینکه قانون کشور مبدأ اجازه اعتراض به اطلاع‌رسانی را بدهد». فرض دیگر آنکه سند «به روشی در کشور درخواست‌شونده به خواننده اطلاع داده شده باشد که با اصول اساسی کشور درخواست‌شونده در مورد ابلاغ اسناد ناسازگار باشد». در واقع، فرض نخست برای پوشش حق استماع از طریق اطمینان از آگاهی به موقع خواننده از ادعای مطرح‌شده در کشور مبدأ طراحی شده است و فرض دوم نیز به‌عنوان حمایتی برای کشور درخواست‌شونده عمل می‌کند؛ چراکه برخی کشورها ارائه اسناد شروع‌کننده دادرسی را یک عمل مستقل و ابلاغ غیرمعتبر اسناد خارجی را نقض حاکمیت و بی‌اثر می‌دانند (Clover, 2020: 17-18).

در نظام حقوقی ایران مانع پیش‌گفته به‌صراحت نیامده است، با این همه به‌نظر می‌رسد که «نقض حقوق دفاعی خواننده» را بتوان تحت شرط «معتبر بودن حکم خارجی» مورد بررسی قرار داد؛ چراکه حکمی معتبر است که بر طبق قانونی که بر آن حکومت می‌کند به‌وجود آمده باشد و عدم رعایت شرایط حقوق دفاعی خواننده، حکم را از اعتبار خواهد انداخت، و یا تحت نظم عمومی، به این شرح که عدم رعایت شرایط یادشده برخلاف نظم عمومی بوده است، حکم صادره از آن قابل شناسایی و اجرا در دادگاه ایرانی نیست.

۳.۲.۲. تحصیل حکم از راه تقلب

در شق «ب» از بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه این اصل پذیرفته شده است که حکم دادگاه خارجی نباید حاصل تقلب باشد (Weller, 2019: 9). تقلب در تحصیل حکم ممکن است به صورت‌های مختلفی ظهور یابد؛ مثلاً با شهادت کذب یا درنظر گرفتن اسناد جعلی (Efeciner, 2020: 784) و یا محکوم‌له با تقلب دادگاه مبدأ را از آگاهی به وقایعی بازدارد که در نتیجه امر مؤثر است، و یا اینکه محکوم‌علیه به‌رغم اطلاع از اقامتگاه خواننده، این واقعیت را انکار کند (الماسی، ۱۳۶۹: ۹۷-۹۶).

تقلب به‌عنوان «رفتاری که عمداً به‌دنبال فریب دادن برای تأمین منافع غیرمنصفانه و

غیرقانونی یا سلب حق دیگری است». در بیشتر کشورها این‌گونه دفاع را در چارچوب دفاع از نظم عمومی در بند فرعی قرار می‌دهند (Clover, 2020: 18).

در حقوق ایران، در ماده ۱۶۹ ق.ا.م. از تقلب بحثی نشده است، اما این امر موجب نمی‌شود که دادگاه ایرانی در رسیدگی از آن غافل بماند. لذا اگر وجود تقلب برای دادگاه ایران احراز گردد، می‌تواند آن را جدا از مسئله نظم عمومی و یا اگر آن را از موارد نظم عمومی می‌داند به اقتضای برخورد نظم عمومی با اجرای احکام خارجی از موافقت با درخواست اجرای آن خودداری نماید (سلجوقی، ۱۳۹۹: ۵۴۸-۵۴۷). در نتیجه، می‌توان در حقوق ایران نیز تقلب را در چارچوب نظم عمومی یکی از موانع اجرا به‌شمار آورد.

۳.۲.۳. ایراد امر مطروحه

در کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه، طبق بند ۲ ماده ۷، «ایراد امر مطروحه» یکی از جهات رد شناسایی و اجرای احکام خارجی است. اصل یادشده این قاعده را ارائه می‌دهد که صلاحیت رسیدگی به دعوی بین طرفین با موضوع مشابه از سوی محکمه‌ای که ابتدا به آن پرداخته است حفظ گردد (Janeckova, 2017: 291-292). از این رو، مقرر می‌دارد: «در صورتی که رسیدگی بین همان طرفین در مورد همان موضوع در دادگاه کشور درخواست‌شونده در جریان باشد، شناسایی یا اجرا ممکن است به تعویق بیفتد یا رد شود، در صورتی که الف) دعوی در دادگاه کشور درخواست‌شونده قبل از دادگاه کشور مبدأ (صادرکننده حکم) طرح شده باشد و ب) ارتباط نزدیکی بین اختلاف و کشور درخواست‌شونده وجود داشته باشد. امتناع طبق این بند مانع از درخواست بعدی برای شناسایی یا اجرای حکم نمی‌شود». این ماده تنها در صورتی اعمال می‌شود که جریان رسیدگی در دادگاه داخلی بین طرفین یکسان در موضوع یکسان باشد و محکمه داخلی نخستین دادگاهی باشد که به موضوع رسیدگی می‌کند. با وجود این، بند ۲ ماده یادشده را از طریق الزام به وجود «یک ارتباط نزدیک بین دعوا و کشور درخواست‌شونده» بهبود می‌بخشد. هدف از این شرط اضافی «جلوگیری از رفتار استراتژیک یا فرصت‌طلبانه» یک خواننده بالقوه در یک کشور است (Clover, 2020: 20). لیکن تفاوت آن با سایر موانع اجرا در کنوانسیون آن است که جهت اخیر می‌تواند شناسایی یا اجرا را «تعویق» یا «رد» نماید، در حالی که دادگاه صورت وجود سایر دلایل، تنها اختیار دارد شناسایی یا اجرا را «رد» نماید.

در حقوق ایران و در دعوی داخلی، ایراد امر مطروحه مطابق بند ۲ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی مورد پذیرش است که دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم‌عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست، دعوی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد. با این همه، این امر به‌عنوان یکی از موانع

شناسایی و اجرای احکام خارجی پیش‌بینی نشده است. از این رو، ظاهراً به نظر می‌رسد که ایراد مطرح بودن دعوا در دادگاه ایران مانع شناسایی و اجرای احکام خارجی نیست. با وجود این، دولت در روابط بین‌الملل تمایلی به انصراف از اعمال حاکمیت و عدول از صلاحیت خود به نفع محکمه خارجی ندارد. به این جهت است که ماده ۹۷۱ ق.م. مقرر داشته است که مطرح بودن همان دعوی در دادگاه خارجی موجب عدم صلاحیت دادگاه ایرانی نیست؛ لذا پذیرش کنوانسیون در حقوق ایران موجب می‌شود که دادگاه ایرانی در فرض مطروحه، شناسایی و اجرای حکم را به تعویق بیندازد یا رد کند.

نتیجه

کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه با توجه به نبود استانداردهای بین‌المللی در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی و جایگاه آن در رشد تجارت فرامرزی، اقدام به تدوین یک مجموعه یک‌نواخت از قواعد اصلی در مورد شناسایی و اجرای احکام خارجی در جهت تسهیل آن نموده است.

مطالعه تطبیقی حقوق ایران و کنوانسیون حکایت از آن دارد که هر دو در مورد شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در امور مدنی یا تجاری قابل اعمال هستند؛ با این تفاوت که تأکید حقوق ایران بر نظریه «رفتار متقابل» بوده که به‌عنوان یک شرط کاملاً سیاسی مورد انتقاد است. لیکن در کنوانسیون هرچند با توجه به قابل اعمال بودن آن در برابر دولت متعاقد دیگر، از نظریه یادشده غافل‌نمانده است، منتها با پذیرش کنوانسیون از سوی بیشتر کشورها می‌توان شناسایی را بر مبنای معیار «حق مکتسبه» تحلیل نمود. میان سیستم حقوقی ایران و کنوانسیون در خصوص شرایط شناسایی و اجرا، تشابه بسیاری وجود دارد؛ نخست اینکه حکم در کشور صادرکننده قطعی و لازم‌الاجرا باشد؛ دوم، حکم در کشور مبدأ معتبر باشد؛ سوم، از سوی دادگاه خارجی دستور اجرا صادر شده باشد؛ چهارم، حکم باید از سوی دادگاه واجد صلاحیت صادر شده باشد.

همچنین بررسی تطبیقی دلایل رد شناسایی و اجرای احکام خارجی نشان می‌دهد که برخی از دلایل همچون صلاحیت انحصاری دادگاه کشور درخواست‌شونده، نظم عمومی و ایراد امر مختومه، میان حقوق ایران و کنوانسیون مشابه است. درحالی که ظاهراً برخی از جهات رد، خاص کنوانسیون است که عبارت‌اند از: ایراد امر مطروحه، نقض حقوق دفاعی خواننده و تحصیل حکم از راه تقلب. به نظر می‌رسد در حقوق ایران می‌توان دو مورد اخیر را در چارچوب نظم عمومی به‌عنوان موانع شناسایی به‌شمار آورد. البته وجود دلایل رد شناسایی و اجرای احکام خارجی در کنوانسیون سبب عدم شناسایی حکم به‌موجب قوانین ملی نمی‌شود. افزون بر این، وجود موانع شناسایی در کنوانسیون، به دادگاه درخواست‌شونده اختیار رد، یا در فرض ایراد امر مطروحه، اختیار تعلیق یا رد را می‌دهد؛ درحالی که به‌موجب حقوق ایران موجود بودن هریک از جهات رد به‌عنوان موانع مطلق شناسایی محسوب می‌شوند.

تصویب کنوانسیون ۲۰۱۹ احکام لاهه با توجه به انعطاف قوانین و مقررات کنوانسیون ازجمله: الف) صرف اجرای آن در امور مدنی و تجاری تنها در برابر کشورهای متعهد؛ ب) امکان صدور اعلامیه در خصوص عدم اجرای کنوانسیون در برخی موضوعات و یا در بعضی کشورها یا دولت‌های متعهد؛ ج) عدم تأثیر الحاق ایران به کنوانسیون بر سایر معاهدات معاضدت قضایی بین کشور ایران با دیگر کشورهای متعهد در کنوانسیون؛ د) امکان شناسایی احکام خارجی به موجب قوانین ملی در فرض حتی وجود موانع شناسایی در کنوانسیون؛ ه) وجه تشابه در اجرا، شرایط و موانع میان حقوق ایران و کنوانسیون، علی‌رغم برخی از تفاوت‌ها تصویب آن را در ایران تسهیل نموده است. لیکن در کنوانسیون، مقررات ویژه‌ای در خصوص برخی از شرایط و موانع شناسایی و اجرای احکام خارجی پیش‌بینی شده است که از جمله می‌توان به پیش‌بینی معیارهایی برای شناسایی صلاحیت دادگاه خارجی صادرکننده حکم اشاره نمود. از سوی دیگر، نقش یکسان‌سازی قوانین در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی در افزایش اطمینان و قابلیت پیش‌بینی حقوقی، کاهش هزینه معاملات و دادخواهی فرامرزی و درنهایت ارائه اطمینان بیشتر در تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تصویب این کنوانسیون را در ایران ضرورت بخشیده است. لذا تصویب آن در ایران، گامی در جهت یکسان‌سازی مقررات و ایجاد یک نظام استاندارد بین‌المللی در شناسایی و اجرای احکام خارجی، تسهیل در شناسایی، افزایش ثبات و اطمینان حقوقی در معاملات فرامرزی و احترام به حقوق مکتسبه اشخاص است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی (۱۳۶۹). شناسایی و اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق فرانسه و انگلیس و آمریکا. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۲۵.
۲. ایزانلو، محسن و جباری‌زاده، روزبه (۱۳۹۸). رفتار متقابل به عنوان شرط اجرای احکام خارجی: مطالعه در حقوق بین‌الملل خصوصی ایران و آمریکا. نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۸۸.
۳. پورنوری، منصوره (۱۳۸۳). شناسایی و اجرای احکام دادگاه‌های خارجی در ایران. نشریه کانون وکلای، ش ۱۸۶ و ۱۸۷.
۴. جلالی، محمود و نوریان، علی (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی شرایط کلی شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا. نشریه مطالعات حقوق عمومی، ش ۲.
۵. حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۰). اجرای احکام مدنی در نظم حقوق کنونی، چ ۱، تهران: انتشارات میزان.
۶. سلجوقی، محمود (۱۳۹۹). حقوق بین‌الملل خصوصی، ج ۲، چ ۱۰، تهران: انتشارات میزان.
۷. شامبیاتی، ژاله (۱۳۴۸). کلیاتی در شناسایی احکام بی‌کانه. نشریه کانون وکلای، ش ۱۱۵.
۸. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۶). حقوق بین‌الملل خصوصی، چ ۲، تهران: انتشارات میزان.

۹. شمس، عبدالله (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، ج ۲، چ ۳۷، تهران: انتشارات میزان.
۱۰. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰). *حقوق تجارت بین‌الملل*، چ ۱۳، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. صمدی فروشانی، محمود (۱۳۹۱). *شرایط حاکم بر اجرای احکام قضایی خارجی در حقوق معاهده‌ای ایران و اتحادیه اروپا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.*
۱۲. غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۶). *آیین دادرسی مدنی فراملی*، چ ۴، تهران: نشر شرکت سهامی.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *اعتبار امر قضاوت‌شده در دعوی مدنی*، چ ۸، تهران: نشر میزان.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، چ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۵. محمودی، زهرا و ابراهیمی، نصرالله (۱۳۹۸). *شناسایی و اجرای احکام خارجی. نشریه راه وکالت*، ش ۲۱.
۱۶. مقصودی، رضا (۱۳۹۳). *دادرسی موازی در دعوی بین‌المللی. نشریه مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۲.
۱۷. مقصودی، رضا (۱۴۰۰). *بررسی صلاحیت دادگاه صادرکننده رای در فرایند شناسایی و اجرای آرای خارجی. مجله حقوقی دادگستری*، ش ۱۱۶.
۱۸. مهاجری، علی (۱۳۹۱). *شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی*، ج ۲، چ ۶، تهران: انتشارات فکرسازان.

(ب) انگلیسی

1. Beaumont, P. R. (2020). Judgments Convention: Application to Governments. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
2. Brand, R. A. (2019). The Circulation of Judgments Under the Draft Hague Judgments Convention. *U. of Pittsburgh Legal Studies Research Paper* 2019-02.
3. Brand, R. A. (2020). Jurisdiction and Judgments Recognition at The Hague Conference: Choices Made, Treaties Completed, and the Path Ahead. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
4. Clover Alcolea, L. (2020). The 2005 Hague Choice of Court and the 2019 Hague Judgments Conventions versus the New York Convention: Rivals, Alternatives or Something Else?. *McGill Journal of Dispute Resolution* (Forthcoming).
5. De Araujo, N. & De Nardi, M. (2020). Consumer Protection Under the HCCH 2019 Judgments Convention. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
6. Douglas, M., Keyes, M., McKibbin, S., & Mortensen, R. (2019). The HCCH judgments convention in Australian law. *Federal Law Review*, Vol. 47, Issue. 3.
7. Garcimartín, F. (2020). The Judgments Convention: Some Open Questions. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
8. Janeckova, P. (2017). Lis Pendens before national and arbitration courts. *International Journal of Multidisciplinary Thought*, 06 (01).
9. Jang, J. (2020). The Public Policy Exception Under the New 2019 HCCH Judgments Convention. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
10. North, C. (2020). The Exclusion of Privacy Matters from the Judgments Convention. *Netherlands International Law Review*, Vol. 67, Issue. 1.
11. Pertegas, M. (2020). The 2019 Hague Judgments Convention: The Road Ahead. *In irana Law Faculty* (Proceedings of the 16th PIL Regional Conference), Forthcoming.

12. Regan, J. C. (1981). The Enforcement of Foreign Judgments in France under the Nouveau Code de Procédure Civile. *BC Int'l & Comp. L. Rev.*, Vol. 4.
13. Rossouw, M. (2013). *The harmonization of rules on the recognition and enforcement of foreign judgments in the Southern African Customs Union*. the University of THE Western Cape. prof b Martin.
14. Stewart, D. P. (2019). The Hague Conference adopts a new convention on the recognition and enforcement of foreign judgments in civil or commercial matters. *American Journal of International Law*, Vol. 113, Issue. 4.
15. Weller, M. (2020). The HCCH 2019 Judgments Convention: New Trends in Trust Management. *National, International, Transnational: Harmonischer Dreiklang im Recht-Festschrift für Herbert Kronke zum*. Vol. 70.